# پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (هفدهم) دوشنبه ۱۰ سرطان ۱۳۴۷ هـ — اول جولائی ۱۹۶۸ ع


## دعلمی جهان بینی پر مبنا د مترقی او وطن پالونکو اخلاقو څو اصلونه

**ـ دزیار ایستونکو لـه پرمختلونکو آرمانونو سره وفاداری.**

**ـ دخلکو پـه مقابل کـی د مسئولیت احساس، خلکو تـه خدمت، د خلکو پـه مقابل کی تواضع، د خلکو د ستر اکثریت د رنځونـو او ګتو لپاره فکر کـول او دخلکو آزادی پـه لاره کی مبارزه .**

**ـ لـه وطن سره مینـه، د ملی استقلال دفاع، د نوی او مترقی اجتماعی نظام د جوړولو پـه لاره کی مبارزه او د وطن اعمار؛**

**ـ د سـولی، د ملتونـو د آزادی او دموکراسی دفاع؛**

**ـ د خلکو او وطن دشمنانو سره، لـه ظالمو او استثمارګرو طبقو سره، لـه استبداد او ارتجاع، لـه استثمار او ملی ستم، لـه نژادی او ملی خصومت او لـه جنګ، استعمار او امپریالیسم سره نـه پخلا کیدل؛**

**ـ دټولنی د ښیګنو تقدم پر فردی او شخصی ښیګنو؛**

**ـ معنـوی صفا، سادګی او تواضع پـه اجتماعی او شخصی ژوند کی، تقوی، صداقت او پـه ځان کی د زیار استلو، انضباط او زړورتیا د عنصر روزنه؛**

**ـ ټولنی، کورنی زیارایستونکی او مترقی انسان تـه احترام او د ماشومانو پـه روزلو کی سعی؛**

**ـ د بی‌عدالتیو، مفتخوریو، جاه طلبیو او خودخواهیو حرص اوآز، ویری او پر اجتماعی او ملی ګتو باندی د تجاوز او لـه شرافت نـه سرغوړولو پرضد مبارزه؛**

بیرک کارمل

# در بـــارهٔ مسألهٔ دهقـانـــی

از آنجایی که اتحاد طبقهٔ کارگر و دهقـانـان شـرط اساسی مـبـارزه پیروزمنـد در راه ایفـای اصـلاحات عمیق دموکراتیک و تأمین رشد سریع اقتـصادی و ترقـی اجتمـاعی بـشمار می‌رود، لازم است تا بـه ارتباط مقالهٔ (ملاکین فیودال دشمن عمدهٔ طبقاتـی خلـق افغانـستان ـ منتشرهٔ در شمارهٔ ششم جریدهٔ پرچم) تحلیل مختصری از طبقهٔ دهقان کشور بعمل آید.

یکی از نیروهای محرکه در مبارزهٔ رهایی‌بخش ملـی کـشور مـا توده‌هـای عظیم دهقـانـان است. توده‌های عظیم دهقانـان کـه تحت ستم مستقیم ملاکین فیـودال قـرار دارنـد، نـیروی بـالقوهٔ عظیمـی است کـه وسیع تـرین مبنـای تودهیـی را در مرحلـهٔ نـوین جنبـش رهـایی‌بخش ملـی کـشور مـا تـشکیل می‌دهد.

در سـیر تـاریخ جنبـش بـورژوا دموکراتیـک کـشورهای غربـی و یـا مبـــارزات رهـــایی‌بخش ملـــی و دموکراتیـک کشور های کم رشد دو گرایش انحرافی در برخورد با طبقهٔ کـارگر و دهقـان بوجـود آمـده اسـت. گرایش اول چنین بوده کـه تمـام توجـه به جنبش دهقانی صورت می‌گرفت و نقش رهبری و پیشاهنگی طبقهٔ کارگر را بکلـی فراموش می‌کردنـد. گرایش دوم صـرف متوجـه جنبـش کـارگری بـوده و دهقانـان را از یـاد می‌بردنـد. هواخواهـان ایـن دو گـرایش و جریـان انحرافـی اوپورتونیستی کـه گـاهی بـه چـپ و گـاهی بـه راسـت می‌لغزیدنـد نمی‌دانـستند کـه نیروهـای محرکـه مبارزه کیانند و منبع قدرت و متحدین وسیع را در کجا باید پیدا کرد.

بر اساس جهان‌بینی علمـی و جامعـه شناسـی نـوین پیـشاهنگ تـرین و پیگیرتـرین مبـارز در جنبـش هـای دموکراتیـک و مترقـی کـشور هـای سـرمایه‌داری رشـد یافتـه و در راه بانجام رسانیدن جنبش‌های رهایی‌بخش ملـی و دموکراتیک کشورهای نوبنیاد و کـم رشـد آسـیا، افریقـا و امریکـای لاتیـن طبقـهٔ کارگراسـت کـه دهقانـان عظیم ترین، صدیق ترین و مقدم ترین متحدین باوفای آنرا تشکیل می‌دهند.

در واقعیت علت بی‌اعتنایی و از یاد بردن دهقانان بحیث متحدین پرولتاریا (زحمتکـشان) از جانـب منحـرفین و اپورتونیـست‌ها، بیش از همـه اینـست کـه ایـن »پهلوانـان «و نیروهـای منحرف به سلطهٔ سیاسی زحمتکشان اعتقاد ندارند و از تغییر سریع، کیفی و بنیـادی در جامعـه می‌ترسـند و نمی‌خواهنـد کـه زحمتکـشان قـدرت حکومت را در دست گیرند.

باید خاطرنشان ساخت نیروهای ترقی خواه معتقد اند کـه بـا وجـود نیروی عظیم کمی دهقانـان در کشورهای کم رشد، بازهم بنا بر وجود بیسوادی و عقب‌ماندگی که قرون متمادی دامنگیر دهقانـان است، آنـها نمی‌تواننـد مبـارزهٔ رهایی‌بخش خلق را رهبری کنند. ولـی اظهـار ایـن نظـر به‌هیچوجـه بـه ایـن معـنی نیـست کـه بـه نقـش تاریخـی دهقانـان در مبـارزه کـم بهـا داده می‌شود. نیروهـای ترقـی خـواه هرگز فراموش نمی‌کنند کـه دهقانـان اکثریت عظیم نفوس جامعـه را در کـشورهای کم رشد و نوبنیاد تـشکیل می‌دهنـد و بنابراین طبقهٔ کارگر تنها از راه اتحاد نزدیک با طبقهٔ دهقان می‌تواند جنبش آزادی‌بخش ملی را رهبری کند.

لذا با در نظر گرفتن مطالب اصولی فوق وظـایف تـاریخی کـه در برابـر جنبش دموکراتیک و ملی کشور ما در زمینهٔ مسألهٔ دهقانی قرار دارد عبارت است از:

۱ ـ حل مسألهٔ دهقانی کـه مستقیماً بـه منـافع اکثریـت عظیـم خلـق مربـوط است.

۲ ـ اجرای اصلاحات دموکراتیک و عمیق ارضی بـه شرکت همهٔ دهقانان و به نفع دهقانان می‌تواند بقایای نظام قرون‌وسطایی فیودالـی را کـه سد راه ترقـی نیروهـای تولیدی استند از بین ببرد و مسئلهٔ کمبود مواد غذائی را کـه از مشکلات روزافزون و حاد کشور مـا اسـت حـل کنـد و در نتیجـه بـه توده‌هـای زحمتکـش دهقانـان کمـک صورت بگیرد تـا آنـان از اسـارت و استثمار، از مـذلت و فـشار و سـتم رهایی یابند.

اکنون برای اجرای وظایف فوق و بـه پایـان رسـاندن جنبـش ملـی و دموکراتیـک کـشور بایـد وضـع اقتصادی و اجتماعی متحدین نزدیک و باوفای طبقهٔ کارگر، یعنی دهقانان در جامعهٔ افغانـستان و موقـف آنـها نسبت بـه جنبش بصورت کلی مورد مطالعه قرار گیرد.

(ص ۲)

# جواب ممتاز ترانسپورت

**پرچم در شمارهٔ دهم خود مضمونی تحت عنوان »هزار میلیون افغانی سوء استفاده از دارائی عامـه« را بـاسـتنـاد راپور انجمن مالی ولسی جرګه، بیکی از جلسات علنی آن جرګه، انتشار داد. در راپور انجمن مالی اظهار شده بود کـه انحصارات دولتی با ممتاز ترانسپورت معاملات »خاص الخاص «داشته و یکسلسله مسائل دیگر... چنانچه انګیزهٔ اصلی استیضاح از حکومت کـه چهار روز را دربر گرفت، همین موضوع بود که متاسفانـه حکومت نیز روی عواملی که بر ما پوشیده ماند (! )، جواب صریحی نداده و به وزارت مالیه هدایت داد تا درین مورد بولسی جرګه معلومات (!) بدهد. بدین جهت مجلس هنوز در مورد این راپور تصمیمی نګرفته است. ولی ممتاز ترانسپورت برای تبرئهٔ خود بعد از نشر مضمون پرچم سیل اعلانات خود را به جراید و روزنامه های ملی ودولتی سرازیر ساخت اما پرچم روی اصول مرامی خود با نشر اعلانات ممتاز ترانسپورت موافقت نکرد. بعداً در اثر تحریک مرتجعین که علیه پرچم از هیچگونه تفتین ودسیسه دریغ نمی کنند، ممتاز ترانسپورت بـه فشارهای گوناگون ازقبیل اخطار، تهدید و دیگر سلاح هاییکه همیشه علیه عنـاصر مترقی بـکار رفتـه است دست زد. و طوریکه شنیده میشود ارتجاع این موضوع را بهانهٔ خوبی برای تعطیل نشرات پرچم تلقی کرده است، حتی وزارت اطلاعات وکلتور نیز چندین بار نمایندهٔ پرچم را احضار و تحت فشار قرار داده و طی مکاتب متعدد و پیهم خویش در زمینهٔ نشر جوابیهٔ ممتاز ترانسپورت اصرار ورزید.**

**پرچم بخاطر اینکه این دسیسه راکه می خواستند باستناد مادهٔ ۳۰ قانون مطبوعات شکل قانونی بدهند نیز خنثی ساختـه باشد، جوابیهٔ ممتاز ترانسپورت را(با حذف دشنام های رکیک و دور از عفت قلم آن) ذیلاً نشر مینماید، ولی تا زمانیکه ولسی جرګه دربارهٔ راپور انجمن مالی و بودجه تصمیم نګیرد، مقالهٔ »هزار میلیون افغانی سوء استفاده از دارائی عامـه «را کـه باستناد همان راپور تحریر شده است، معتبر میدانیم.**

در شمارهٔ دهم ۲۳ ثور ۱۳۴۷ جریدهٔ پرچم مضمونی تحت عنوان (هزار میلیون افغانی سوء استفاده از دارائی عامـه) جلب نظر کرد که بقلم س کشتمند نګاشته شده است.

موضوع ادعای ۸۳۰ میلیون افغانی سؤاستفاده ودیگر مطالب که در بارهٔ مامورین انحصارات گفته شده البته از طرف ادارهٔ مربـوط انحـصارات جـواب علیهده گفته خواهد شد اما تا جائیکه بمـا ارتبـاط دارد بـرای روشـن شـدن اذهان عامه برد (نظریات شاغلی س کـشتمند) بترتیـب ذیـل مـی پـردازیم.

شـاغلی س کـشتمند میګویـد ممتـاز ترانـسپورت ۲۳۴ عـراده لاری انتـر نشنل امریکائی را بحساب فی عراده دوصـد هـزار افغـانـی از انحـصارات خریـداری و بـاز آنـرا فـی عـراده هشتصد هزار افغانی فروخته و جمعاً یکصد وچهل میلیون افغانی از دارائـی عامـه سـوء اسـتفاده کـرده اسـت در حالیکه این ادعا غلط این حساب غلط و بلاخـره هرچـه هـست سراپا غلـط بـوده اسناد و دلایل ذیل بطـلان ایـن اتهـام غرض آلـود شـاغلی س کـشتمند را ثابت میکند.

ریاسـت تقلیـات دولـتی در سـال ۱۳۴۱ ـ نظربه تصویب نمبر (۴۵۰) مـورخ ۲۹ ــ ا سـد ۱۳۴۱ــ مجلـس عـالی وزراء و بنـابر غیراقتـصادی بـودن تـشکیل و فعالیـت آن ملغـی و یکصد وسـی ونـه عـراده موترهـای مستعمل آن که چندین سال در ریاست انتقالات از آنها کار گرفته شده بود بـه شعبهٔ ترانسپورت انحصارات دولتـی سپرده شد. انحصارات این موترها را تـا جائیکـه امکانـات آن فـراهم بـود ترمیم کرد ومدت چند سال دیگر از آن کار گرفت.

شعبهٔ ترانسپورت انحصارات نیز ۹۵ عـراده موتـر کهنـه و همـشکل موتـرای نقلیـات از خـود داشـت کـه چندین سال از آن کار گرفته شده بود برای اینکـه لاری هـای مستعمل کـه از آن در بـالا تـذکر رفـت بمعـرض فـروش گذاشـته بتوانـد ــ انحـصارات دولـتی چند لاری زیل جدید روسـی راهـم بـان ضـم و موضـوع فـروش موترها را در رادیو و جراید مرکز و ولایـات کـشور نـشر و خریـداران دعوت شد تـا بـصورت مزایده آنـرا بخرند. به مرتبهٔ اول هیأتـی برای نـرخ گذاری لاری ها تعیین و قیمت های آنرا تثبیت کرد امـا بـه منظور احتیـاط مزید بار دیگر هیأت مقتدر و صـاحب اهلیـت دیگـر از چنـدین اداره و موسـسهٔ دولـتی بـرای نـرخ گـذاری لاری های قابل فروش موظـف شـد کـه آنهـا هـم قیمـت هـارا تثبیـت و تـعیـین نمـودند کـه ادارهٔ مـربوط

(ص ۳)

# نهضت محصلان افغانستان در برابر چه وظایفی قرار دارد؟

محـصلان در کـشور مـا بخـش قابل‌ملاحظهٔ از روشنفکران را تشکیل می‌دهند که باوجود کمیت بسیار ناچیز آن، نقـش و تـأثیر بزرگـی در جنبـش رهایی‌بخش کشور مـا، در جهت دفاع از حقـوق و آزادی‌هـای دموکراتیـک مردم ایفا می‌نمایند.

باوجود آنکه اکثریت روشنفکرانی که فرصت تحصیل را در پوهنځی‌ها و اسـتفاده از بـورس هـای کـشورهای خارجی پیدا می‌کنند، به طبقات حاکمه و قشرهای مرفه و متوسط جامعه تعلق دارند و عمده‌ترین وسیلهٔ پیشرفت آنها در بخش‌ها و مؤسسات جامعه امکانـات فراوان پولی و مالی و نفوذ فامیل هـای بزرگ و دارا می‌باشد، ولـی بـصورت مطلـق نمی‌تـوان همـهٔ روشـنفکران و محـصلان را دریـک ردیـف مـشابه قرارداد و بمثابـه یـک طبقـهٔ مـشخص اجتماعی قبول کرد.

روشنفکران که امکان برخاستن از طبقات مختلف و بـالأخص در شرایط اجتماعی ـ اقتصادی کنونـی کشور مـا از طبقـات بـالایی جامعـه را دارنـد، عـدهٔ از آنهـا در هنگـام تحـصیل و جوانـی قـشر اثربخـشی را در جامعـه تشکیل می‌دهند که می‌توانند زمینه‌های علـم و فرهنـگ را در جامعـه گسـترش دهنـد، از منـافـع خلق‌ها و آزادی هـــای اجتـماعی دلیرانـه دفـاع کـنـنـد و در نتـیـجـه بـه نیـــروی متحد و افزارکار طبقات زحمتکش و مترقـی جامعـه (کـارگـران، دهقانـان) تبدیل گردند و یا عکس آن.

شـور جوانـی و مـصئونیت نـسبی بخـاطر تعلقیت عدهٔ زیـاد از آنهـا بـه طبقات متنفذ و حاکمه، شرایط کار و مبـارزهٔ بی‌پـروا را در آنهـا ایجـاد می‌نماید که بعداً در جریان خم و پیچ مبـارزه و تـشکل و تکامـل طبقـات اجتمـاعی و سـاختمان اقتـصادی و سیاســی، گروهــی از آنهــا بــه روشـنفکران مترقـی و مبـارز تبدیـل می‌شـوند، تفکر منطقـی پیدا می‌کننـد، متوجـه قوانین تکامل طبیعت، جامعـه وانسان میگردند، قدم بقدم بسوی توده ها رفته، وجدان انقلابی وآگاهی عمیق سیاسی علمـی و خصلت توده یـی پیدا می‌کنند، و حتی بمثابـه مدافعان صدیق وپیشاهنگان آگاه و وفادار طبقهٔ کارگر ومتحدین آن تبدیل می‌شوند، و در راه بـسر رسـاندن آرمـان هـای طبقـات ستمکش و استثمارشـوندهٔ جامعـه کمر همت می بندند.

عدهٔ دیگر آنهـا بااینکـه اصـلاً بـه جنبش های خلق علاقهٔ پیدا نمی‌کنند و بـه افـزار سـتم و تـسلط بـر طبقـات زحمتکـش و فقیر جامعـه در دسـت طبقـات سـتمگر و مرتجـع تبدیـل می‌گردنـد و در اسـتخدام ماشـین بیروکراسـی دولـت هـای اسـتثمارگر بورژوا ـ ملاکی درآمده و بدین‌وسیله موجب تشدید استثمار مردم می‌گردند. روی ایـن مـسئله نمی‌تـوان همـهٔ روشنفکران و محصلان را مبـارز و آزادیخواه دانست و همهٔ آنها را پایگاه مطمئن نهضت بحساب آورد. ولـی این مسئله بدان معنی نیست که اثربخشی و همکاری آنها را در جنبش کم بها داد و یا نقش آنها را نـاچیز شمرد؛ و از کار و مبارزه در بین آنها صرفـنظر کـرد. بایـد در مـورد روشـنفکران برخورد واقعی و رئالیستی داشت.

محصلان و روشنفکران در شرایط مبـارزات رهـایی‌بخش کـشورهای مـستعمره و نیمـه مـستعمره و کشورهایی کـه در راه تکمیل پروسهٔ جنبش ملی و دموکراتیک قرار دارند، سـهم بـزرگ و شایـستهٔ خـود را در تکامل تاریخی و اجتماعی ایفا کرده و می‌کنند.

(ص ۲)

# دافغانستان میلیونونه وګړی کور(مسکن) نلری

داشکاره خبره ده چـه ټاټوبی (کور) دانسان لـه ژونـد سره هر اړخیزاو نـشیدونکی تـړون لـری. خلـک خپل ورځنی ژوند پـه سلو کـی ۵۰ تـر ۶۰ پوری په کور کـی تیروی او زمـوږ د ښځو اکثریت بیا په تیره ښاری ښځی چـه دکور نـه دباندی د کـار کولو لـه نعمت نـه محرومـی دی تقریبـاً لـه ۸۵ تر ۹۵ په سلو کی خپل عمر پـه کور کی خوری، د دی اصل پربنا دی چـه باید د انسان د فکری او جسمی ودی لپـاره د طفولیـت مرحلـی نـه د عمرترپایه پوری ښه شرایط پـه (کور) کی آماده ښی مګر له بده مرغه زمـوږ په هیواد کی دی مهمی چاری تـه لکـه د ژوند نور شؤن هیڅ وړ توجـه ندی شوی.

لا تراوسـه پـوری زمـوږ د وطـن ملیونونه وګړی په درو او وچو بیابانو کی کډی وهی او دوزغنو کیږدیو کـی ژوند کوی. دوی په خپل وطن کی لا تراوسـه پـوری دژونـد یـو لیاره دسر سیوری او دمړو لپاره ټاکلی هدیره نلـری. دوی شـفاخانه، شـونځی، سـینما، سـپورتی میدانونـه او د اجتماعی خدمتونو ابتدایی مراکز هیڅ پیژنی نه، ځنی نور خلک لا تر اوڅـه پـوری پـه سـمڅو، طبیعـی غـارونو، اوکـودې خوکـی د تاریـخ دلرغونـو زمـانی ژونـد کـوی، داسـی خلک لا په هیواد ښته دی چه دسمڅو دننـه خپل ماشـومان د یخنـي دسـاتلو لپـاره د حیوانـاتو تـر خوشـیو لانـدی پټوی او سخت دردناک شرایط ګالی. هومـره چـه زمونږ دهیواد انسان د ټاټوبی نشتوالی لـه کبلـه تحقیر شوی دی پـه نړی کـی د بل هیواد انسان هغه هم پداسو شرایطو کی چـه زمـوږ پـه خیر یـی دسترو مدنیتونو مراحل تـیر کـړی وی دومـره نـدی تحقیـر شوی.

دهیواد د»کورونـو «لـه وضـعیت نـه دا شـکاریږی چـه پـه بنـارونو او کلیـو کـی پـه سلو کـی لـه ۹۵ زیـات کورونه له خټونـه چـه تل د واورو او بارانونو او سیلاوونو تر خطر لاندی وی جوړ شویدی. دا خبره واضـح ده چـه دا آفتونـو او بـلاوی دقـدرت او شتمنی په خاوندانو باندی چـه دمانیو خاوندان دی نه راځی.

دا بی وزلی او بی پناه خلک دی چه د دوی خام او خټین کورونه د دی.

(۳ مخ)

# اعتصاب و تظاهرات کارگران انتقال گاز در شبرغان

خـبرنال پـرچم از شـبرغان مرکـز ولایـت جوزجـان اطـلاع می‌دهـد کـه کارگران انتقال گاز بتاریخ ۲۸ جوزا دست به اعتصاب زدند و از محل کار تا شبرغان ۳۶ کیلومتر فاصله را در گرمای طاقت‌فرسا راه پیمایی کردند.

کـارگران تفحـصات پطـرول بـا همراهی عدهٔ از اهالی شبرغان تـا بـه ۳ کیلومتری شهر به استقبال کـارگران انتقال گاز شتافتند و بـا این شعارها از ایـشان اسـتقبال کردنـد: «مـرده بـاد ارتجـاع، زنـده‌باد کـارگران، زنـده‌باد دهقانـان، زنـده‌باد اتحـاد و همبـستگی، زنده‌باد افغانستان وطن محبوب مـا. »

کـارگران بـه تـاریکی شـب بـه شـهر داخل شدند.

فـردای آن ۲۹ (جـوزا) کـارگران میتینگی در شـهر تشکیل دادند. والـی جوزجان که بـا عدهٔ از مـأمورین آنجـا دریـن اجتمـاع حاضـر شـده بـود، نتوانسـت کـارگران را بـه خاتمـه دادن اعتصاب وادار سازد. کارگران فریاد می‌زدنـد: «مـا مـاجراجو نیـستیم، مـا حداقل وسایل زندگی می‌خواهیم، نـان نـداریم، لبـاس نـداریم و حقـوق مـا را می‌خورند».

این اجتمـاع بعدازظهر روز مـذکور بـه تظـاهرات خیابـانی تبدیل شـد و تـا شـامگاه همـان روز ادامـه داشـت. قبـل از ظهر روز بعد (۳۰ جوزا) دوبـاره میتینگ با حرارتی در پـارک شبرغان تشکیل گردید که در جریان آن عدهٔ از مـأمورین مربـوط بـا کـارگران داخـل مفاهمـه شـدند و یادداشـتی مبنـی بـر اینکـه در اسـرع اوقـات مطالبـات قانونی‌شـان را بـرآورده می‌سـازند، بـه کـارگران تـسلیم دادنـد. برخـی از مطالبـات کـارگران انتقـال گـاز قـرار آتیست:

ـ در معـاش کـارگران بـا در نظـر گرفتن تـأمین حـد اقـل وسـایل زندگـی افزودی به عمل آید.

ـ وسـایل حمل‌ونقل بـرای کـارگران تهیه شود.

ـ رخصتی های بعدازظهر روزهای پنجشنبه و سالانه هفتاد روز رخصتی قانونی منظور گردد.

ـ برای کـارگران متأهل و فامیل دار مسکن و محل رهایش تهیه گردد.

ـ کـارگرانی کـه از مکلفیـت قانونـی خود بیشتر کار می‌کنند، معاش اضـافه کاری‌شان اجرا گردد.

ـ بایـد پیـشآمد آمـران در برابـر کارگران قانونی و عادلانه باشد.

ـ بیمهٔ صحی تأمین گردد.

**دامپریالیستی مداخله کونکواو د خارجی ماجراجویانواو فتنه اچونکولاس دی زمونږ د هیواد په داخلی چارو او ملی آزادی بخشونکی نهضت کی لنډوی!**

**تلخیص وترجمه : م.ا خیبر**

# جنبش آزادی بخش ملی

## و راه رشد غیر سرمایه‌داری

- ٢ -

امروز اقتصاد جهان سرمایه‌داری مانند پنجاه سال قبل از دو نوع اقتصاد مرکب است، اقتصاد مشتی از دولت‌های ستمگر امپریالیستی پیشرفتهٔ صنعتی و اقتصاد دولت‌های روبه انکشاف که تحت ستم امپریالیسم قرار دارند و در ماهیت یک اقتصاد استعماریست. انقلاب‌های سیاسی قاعدتاً بنیاد اقتصاد سرمایه‌داری جهانی را از بین نبرده است. تا زمانی که دولت‌های جوان به وابستگی اقتصادی خود به امپریالیسم پایان ندهند، نقش «دهکدهٔ جهانی» را بازی نموده و مورد استثمار نیمه استعماری خواهند بود. امپریالیسم علی‌الرغم تیوری‌های جدیدی که عرضه می‌دارد در عمل بطور دوامدار شرایطی را غرض استثمار و تحت ستم قرار دادن کشور های کم رشد بوجود می‌آورد که نه تنها اختلاف موجود در سویه‌های رشد اقتصادی این کشورها و کشورهای پیشرفته را حفظ می‌نماید، بلکه آنرا تعمیق نیز می‌کند. از لحاظ مناسبات ملی در نظر داشتن این مسئله حایز اهمیت است که انحصارات خارجی در کشور های روبه انکشاف مؤسسات مهم صنعتی، بانک‌ها و خطوط حمل‌ونقل را در دست دارند و در بسیاری ازین کشورها تجارت خارجی و دیگر مواضع اساسی اقتصاد را کنترول می‌نمایند، بدین معنی که گروه محدودی از انحصارات بزرگ امپریالیستی ثروت های یکصد دولت را در قبضهٔ خود در آورده‌اند.

ستم استعماری مسئول بی‌نظمی در ترکیب طبقاتی کشورهای مختلف می‌باشد. باین صورت در کشورهای افریقایی واقع در جنوب صحرا مانع رنگ (موضوع نژادی) به یک مانع اجتماعی تبدیل گردیده است؛ و حتی قاعدتاً تجارت خورده فروشی را کسانی اداره می‌کردند که نسل خارجی (فرانسوی، پرتگالی، یونانی و غیره) بودند.

این عدم تساوی در مواضع اجتماعی انحصار تعلیم و تربیه و تجهیزات صنعتی در دست نیروهای غربی، چه در سابق و چه در حال حیثیت کان طلا را برای استعمار گران کهنه و نو داشته است.

این وضعیت موجب تأمین سود فراوان برای یک اقلیت محدود و باعث فقر و بدبختی میلیون‌ها نفر می‌گردد و به تمام تلاش‌هایی که در راه تغییر این وضعیت صورت می‌گیرد فوراً چاپ «الهام کمونیستی» زده می‌شود.

باید به ملت های تازه به استقلال رسیده اجازه داده شود تا منابع ثانرا خود بکار اندازند (سازمان ملل‌متحد نیز حداقل در نظر باین حق معترف است) ولی در جهان سرمایه‌داری بین نظر و عمل فاصله عظیمی وجود دارد. وظیفهٔ مبارزهٔ حاد ملی و طبقاتی درین کشورها اینست که این فاصلهٔ بزرگ را پر نماید. این نخستین محرک انقلاب‌های ضد استعماری، در مرحلهٔ جدید انکشاف انقلاب‌های مذکور نیز عمل می‌کند و آنها را بسوی آزادی از ستم اقتصادی خارجی سوق می‌دهد که قاعدتاً رژیم های استعماری سابق آنرا برقرار ساخته است و بحیث یک میراث استعماری برای حکومت های جدید ملی باقی مانده است. این آزادی در شرایط پیچیدهٔ پر از انفجارات و تصادمات آنی عملی می‌گردد (حادثهٔ آبادان، بحران کانال سویز، واقعات برازیل و غیره) ولی موضوع را یکطرفه نمی‌نماید.

در جهان امروزی اختلافات زیادی بمشاهده می‌رسد. انکشاف سریع صنایع جدید، نیروی برق، کیمیا، فزیک هستوی و علوم طبیعی و بالعموم تکنالوژی یک انقلاب تخنیکی را ایجاد کرده است. ولی امپریالیسم ثروتی را که مخلوق کار است برباد می‌دهد. قرار محاسبهٔ که بعمل آمده، هرگاه مسابقهٔ تسلیحاتی که امپریالیزم آنرا آغاز کرده، توقف یابد و تنها یک بر پنجم حصهٔ پول پس انداز شده از خلع سلاح به کشور های عقب‌مانده پرداخته شود، کشورهای مذکور خواهند توانست در ظرف ٢٠ تا ٢٥ سال بسویهٔ فعلی فرانسه و بریتانیا برسند و از طرف دیگر مناطق پهناور جهان هنوز در چنگال عقب‌ماندگی، فقر و جهالت بسر می برند.

افزار عمدهٔ زراعتی دهقانان افریقایی را تاکنون بیل، قلبهٔ چوبی و چوکه تشکیل می‌دهد. تضاد بزرگ بین نیروهای مولدهٔ جدید بدرجهٔ عالی انکشاف یافته و اقتصاد عقب‌ماندهٔ استعماری اکثریت کشورهای که از طرف سرمایهٔ بزرگ کنترول می‌شود، محرکیست که اکثریت خلق های جهان را به اقدام وامی‌دارد.

کشورهایی که از ستم سیاسی استعمار آزاد شده‌اند، اکنون با مسایل مشکلی روبرو می‌باشند. این کشورها باید از خود حیات اقتصادی داشته باشند، برای مردم خود کار پیدا نمایند، سویهٔ نیروهای مولدهٔ عقب‌ماندهٔشان را باید بلند ببرند، یعنی باید رنسانس (تجدید حیات) ملی را بوجود آورند. همهٔ نیروهای وطن‌پرستی که در راه استقلال ملی مبارزه می‌کردند، حل این مسئله را شعار خود قرار داده بودند. ولی برای دولت های روبه انکشافی که تولید سرانهٔ سالانهٔ آنها ٢٠٠٠ تا ۴٠٠٠ فیصد پایان‌تر از کشور های انکشاف یافتهٔ سرمایه‌داری می‌باشد، چگونه ممکن خواهد بود که بسویهٔ کشورهای پیشرفتهٔ سرمایه‌داری برسند؟

در عدهٔ از کشورها از قبیل اندونیزیا، سیلون، پاکستان، مراکش تولید سرانهٔ زراعتی و قسماً حتی تولید سرانهٔ صنعتی به سویهٔ زمان تسلط استعمار باقی مانده است. برای اینکه حداقل ترقی نصیبشان گردد، تلاش های قهرمانانه‌یی را از جانب ملت های مستقل ایجاب می‌نماید. طوری که در مورد الجزایر و سیلون دیده می‌شود نیروهای امپریالیستی سعی می‌ورزند که سویهٔ زندگی مرم را درین کشورها پائین آورند، تا به این صورت انقلاب‌ها را از نظر اقتصادی بی‌اعتبار سازند. نیروهای وطن‌پرستی که واقعاً به انکشاف کشورشان علاقه دارند بیش‌ازپیش معتقد شده می‌روند، اکنون که تهداب گذاشته شد نباید کار ساختمان در نیمه راه توقف نماید؛ و بنا برین باید در یک راه جدید رشد غیر سرمایه‌داری به پیش بروند.

**(باقی دارد)**

جنبش کمونیستی پرچم اعلام که پرچم مبارزه را به زمین نگذاشته است

اجمل ختک

## ځلمی شاعر ته

**د زلمیتوب د ګرمی وینی په نوم**
**د یولیوالې ژړه پیغام واخله**
**د شاعرۍ د و لولو په نوم دی**
**د تلوسو نه ډک پیغام واخله**
**که زما نشی یو پولی د ازغو**
**چه ته یی بڅری یی پروا نښته**
**که اور کی شی پلو شی پیدا کړی**
**دغو تیارو کی هډو ساه نشته**
**په سمندر کی چپی ډیری راشی**
**خو د ساحل په اسره ځان تباه کړی**
**او چه ځان اوپیژنی ځان وښئ**
**د نوح طوفان ښی یو جهان تباه کړی**
**که ته ګوهر یی بس دزرو په نرخ**
**ځما تار تار دانه ځولی واخله**
**که دغریب د زړګی نر څاڅکی یی**
**دانسان زړه درته ډولی واخله**
**څوک په سرونو باندی پیښی کیږدی**
**څوک دفټو په ډزو ځان لوړوی**
**ځما او ستا په شانی ورک لیونی**
**ځان ورکوی خو ټول انسان لوړوی**
**نیکان، نیکان، غټان، غټان پیدا دی**
**دوی خواه له ځایه جنتیان پیدا دی**
**ځی هغو خوارو له جنت وګټو**
**کوم چه د موره دوزخیان پیدا دی**
**ای دژوند یو ولولو ځلمیه!**
**راځه چه زړونه او لاسونه یو کړو**
**دغه دغیرو دیو وال او نړوو**
**دخپلو لیو دیوالونه یو کړو**
**ځانته دمینی یو ښه کور جوړ کړو**
**دتس نس شوو نه یو ورور جوړ کړو**

از (ص اول)

## در بارهٔ مسأله دهقانی

توده‌های زحمتکش دهقانان در کشور بطور عموم عبارت‌اند از اکثریت عظیم دهقانان بی‌بضاعت و کم زمین، دهقانان فقیر، مزدوران زراعتی و پیشه‌وران ده.

بدین ترتیب اکثریت عظیم دهقانان بی‌بضاعت همراه با دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی اکثریت قاطع توده‌های روستایی را تشکیل می‌دهند که مسألهٔ دهقانی بطور کل مسألهٔ این توده‌های بزرگ در کشوراست. حجم بی‌نهایت ناچیز و کمبود محصولات زراعتی مبین وضع نهایت فلاکتبار اقتصادی و اجتماعی دهقانان بی‌بضاعت، دهقانان فقیر، مزدوران کشاورزی و پیشه‌وران ده و شاگردان آنها می‌باشد.

دهقانان بی‌بضاعت در افغانستان دارای زمین بسیار کم می‌باشند که خود و اعضای خانوادهٔ آنها (زنان، اطفال و مردان کهن‌سال) بالای آن به شدت کار می‌کند ولی با وصف آن حداقل زنده گی بخورونمیر آنها را تأمین کرده نمی‌تواند. به همین جهت این طبقهٔ دهقان غالباً بحیث دهقان کشتمند و اجاره‌دار، زمین‌های ملاکین را با شرایط سنگین و اسارت آور به دهقانی، کشتمندی و به اجاره می‌گیرند. معهذا از آنجایی که در هنگام محصول زمین قسمت اعظم آن از طرف مالک زمین تصرف می‌گردد، لذا برای تأمین زندگی حداقل دهقانان بی‌بضاعت (کم زمین) تا فصل جدید کفایت نمی‌کند. چون افغانستان تا کنون از لحاظ صنایع عقب‌مانده است و تا کنون صنعت به آن پیمانه رشد نکرده است که دهقانان بی‌بضاعت و کم زمین که پیوسته برای تأمین حداقل معیشت خود در جستجوی کار دایمی هستند به شهرها و مناطق صنعتی رجوع کنند. لذا در یک زمان کوتاه این بخش دهقانان در اثر شرایط ناگوار زندگی و گرانی سرسام‌آور قیمت‌ها با تنزیل زیاد (سود فاحش) پول و جنس قرض می‌کنند و در نتیجه مجبور می‌شوند که همان یک قطعه زمین کوچک خود را به ملاکین و سودخواران ده بفروش برسانند و خود در زمرهٔ دهقانان فقیر و یا مزدوران زراعتی و یا در اردوی بزرگ بیکاران درآیند، مسلماً این بخش از دهقانان دارای زندگی سخت و دشواری‌اند.

بخش دیگر از دهقانان که فوق‌العاده فقیراند، کاملاً فاقد زمین بوده و بحیث دهقانان کشتمند و اجاره‌دار ملاکین کار می‌کنند. زندگی دهقانان فقیر نسبت به دهقانان بی‌بضاعت بدتر است و در عوض کار سالیانه نیم و یا حتی کمتر از نیم مایحتاج خود را تأمین کرده نمی‌تواند. این بخش از دهقانان به شدیدترین نوع توسط مالکین استثمار می‌شوند و مورد ستم بی‌رحمانه قرار دارند. قسمتی ازین بخش دهقانان دارای وسایل کشاورزی از قبیل گاو، قلبه و کود اند ولی قسمت دیگر آن صاحب هیچگونه وسایل زراعتی نبوده و پس از تأدیهٔ بهرهٔ مالکانه چیزی برای تأمین زندگی یک سالهٔ خویش ندارند و بدین‌جهت مجبوراند که بازهم یا آخرین نیروی کار خود را مورد فروش قرار دهند و یا ازین و آن مقداری غله برای بخور نمیر قرض بگیرند و یا گدائی کنند. این گروه از دهقانان یا مزدوران یا کارگران کشاورزی که فاقد هرگونه وسایل تولید اند و صرف از طریق فروش نیروی کار خویش روز و شب را می‌گذرانند، فقیر ترین بخش از طبقهٔ دهقان کشور را تشکیل می‌دهند که غالباً به اردوی عظیم بیکاران می پیوندند.

مؤجز اینکه: در دهات افغانستان که اکثریت عظیم نفوس کشور را تشکیل می‌دهد، اقتصاد فیودالی تسلط کامل دارد و بهمین جهت عمده‌ترین تضاد در افغانستان بین مالک و دهقان است. بنا بر همین علت است که از سالیان دراز تا کنون که توده‌های عظیم زحمتکش دهقانان افغانستان در یوغ ستم فیودالیزم اسیر اند و با وحشیانه‌ترین اسلوب مورد استثمار قرار گرفته‌اند. در دهات کشور تمام قدرت اقتصادی و اجتماعی در دست ملاکین متنفذ فیودال به همدستی مأموران دولت متمرکز است. ایشان می‌توانند دهقانان را به بیگاری ببرند، قرضداران را به زندان‌های شخصی و رسمی بیاندازند، سرنوشت سیاه کودکان، دختران وزنان دهقانان را تعین نمایند...

سال‌های متمادیست که دهقانان و خانوادهٔ آنان از ظلم و ستم متنفذین و فیودال‌ها در دهات و مأمورین دولتی به ستوه آمده‌اند و حاصل کار، کوشش و زحمت توان‌فرسا و نتیجهٔ دسترنج آنها به دیگران تعلق می‌گیرد و خودشان در کمال عسرت و تنگدستی در زیر بار قرض و گرسنگی دست و پا می‌زنند.

توده‌های عظیم زحمتکش دهقانان عملاً از هرگونه حقوق و آزادی های ابتدائی محروم‌اند و ماهیت طبقهٔ حاکمهٔ فیودال کشور را در دهات خصوصیات اساسی استبداد سیاه شرقی و شیوه‌های عمل فاشیستی و قرون وسطایی علیه حقوق اساسی دهقانان تشکیل می‌دهد. محافل حاکمهٔ سیاسی کشور از جمله حکومت‌ها با بی‌اعتنائی می‌گذارند که خودسرانه همهٔ حقوق و آزادی های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و فرهنگی توده‌های زحمتکش دهقانان در زیر »پاشنهٔ آهنین «مشتی فیودال‌های متنفذ محلی ستمگر و ظالم همچنان پایمال شود و بدین ترتیب در برابر روش استبدادی و استثمار وحشیانه و خود سری‌ها و اعمال قانون شکنانهٔ متنفذین و مرتجعین محلی و عدم مراعات آنها در زمینهٔ حقوق اساسی مردم هیچگونه احساس مسئولیت نمی‌کنند.

در نتیجه: ما بر اساس تحلیل علمی و قانون عینی تکامل جامعه بدین اصل معتقدیم که تا وقتی که دهقانان کشور آزاد نشوند و یوغ ستم و استثمار فیودالیزم درهم نشکند و مسألهٔ دهقانی حل نگردد و جنبش رهایی‌بخش ملی و دموکراتیک کشور ما بانجام نرسد، نمی‌توان به فقر و عقب‌ماندگی که از قرون متوالی دامنگیر مردم ماست، پایان بخشید و به استقلال اقتصادی و دموکراسی و ترقی اجتماعی نایل آمد.

(ص ٣)

انگیزنده یی در بیداری شعور سیاسی و اجتماعی خلق های ما داشت، پایه‌های کهن استبداد را تا مرز تزلزل کشاند و ریشه‌های جنبش نوین و مترقی را در کشتزار آزادی وطن ما دوانید. بجرئت می‌توان گفت که اگر ارتداد و سازش گروهی از روشنفکران و پاره یی از اشتباهات گروه‌های سیاسی دورهٔ هفتم نمی‌بود، جنبش اتحادیهٔ محصلین افغانستان توانایی آنرا داشت که به طلاییه دار درخشان مبارزات وسیع خلق‌های افغانستان و توده‌های وسیع زحمتکش وطن ما تبدیل گردد، و نهضت می‌توانست درین مرحله بر پایهٔ مجرب تر، عالی تر و وسیع تر آن قرار داشته باشد.

بعد از تظاهرات شهریان کابل به رهبری محصلین وطن‌پرست و آزادیخواه، برای دفاع از انتخابات آزادانهٔ دورهٔ هشتم شورا و استقرار دموکراسی، جنبش اتحادیهٔ محصلین مورد سرکوب بی‌رحمانهٔ ارتجاع افغانستان قرار گرفت، رهبران نهضت زندانی گردید، و ضربهٔ هلاکتباری به جنبش رهایی‌بخش کشور ما وارد آمد که در نتیجه اختناق جامعهٔ ما را فراگرفت و سال‌های فراوان سکوت سنگین و بی‌حالی

از (ص اول)

## نهضت محصلان افغانستان ...

سیاسی بر خلق ها و اقشار محصلین افغانستان مسلط گردید.

تغیر تناسب قوا در عرصهٔ جهانی به نفع صلح، آزادی ملی، دموکراسی و ترقی اجتماعی و نقش قاطع و تعیین کنندهٔ سیستم جهانی کشورهای صلح‌دوست و مترقی در تکامل جنبش های کارگری و نهضت های رهایی‌بخش ملی که ناگزیر توأم با چیده شدن بیشتر دامنهٔ امپریالیسم، استعمار نوین و ارتجاع گوناگون کشورهای مختلف در اثر مبارزهٔ متحد نیروهای صلح و ترقی بود. که امکانان و شرایط مساعد و وسیع رشد و تکامل سریع و بنیادی را برای همهٔ کشورها و از آنجمله کشورهای آسیایی، افریقایی و امریکای لاتین بوجود آورد.

بسط و توسعهٔ مناسبات سیاسی و اقتصادی افغانستان با کشورهای صلح‌دوست و مترقی تأثیر عظیمی در وضع اجتماعی ـ اقتصادی ما وارد کرد و عامل رشد نسبی اقتصادی و ازدیاد کمی و بیداری طبقهٔ جوان کارگر افغانستان، روشنفکران و دیگر اقشار زحمتکش وطن ما گردید. این تغییرات اجتماعی افزایش نیازمندی های مادی و معنوی مردم و تأثیر روزافزون جنبش‌های دموکراتیک و مترقی جهان، تلاش و مبارزهٔ مردم ما را برای دموکراسی، آزادی و ترقی اجتماعی، و برای بدور انداختن یوغ ننگین اسارت، استعمار نو و ارتجاع، وارد مرحلهٔ نوین و وسیع تری کرد. تا اینکه بعد از روی کار آمدن قانون اساسی جدید مبارزات انتخاباتی دورهٔ دوازدهم شورا ناقوس بیداری خلق های ستمکش افغانستان را دوباره به صدا درآورد و انگیزهٔ اساسی برخاستن و اعتلای نهضت کارگری و روشنفکری گردید.

تظاهرات شجاعانهٔ سوم عقرب و آشکارا شدن ماهیت ارتجاع، روحیهٔ نوینی را در بین جوانان افسردهٔ کشور دمید و سکوت مرگبار ایام ترس و وحشت از استبداد و ارتجاع را درهم شکست، امواج نوین تظاهرات، اعتصابات، میتینگ‌ها، خطابه‌های کارگران و محصلان و جوانان کشور ما در کرانه‌های خاموش وطن پهن گردید. و پرچم جنبش های وسیع و مبارزات دامنه‌دار روشنفکران در سنگر جنبش خلق بخاطر محو ستم و استبداد و جلوگیری از نفوذ استعمار نو و امپریالیسم و تلاشی ارتجاع در راه رهایی توده‌ها از زنجیر انقیاد استثمارگران و ستمگران، برافراشته شد.

بدون شک تشریح و تحلیل عمقی این مرحله جنبش محصلین خیلی‌ها پر مضمون و آموزنده و دارای تجارب غنا و گره‌های فراوان است. ولی باوجود این‌همه فداکاری‌ها و دلاوری های فراوان ایجاب می‌نماید تا توجه محصلین و روشنفکران کشور بدین امر معطوف گردد که:

ـ آیا جنبش آنها به راه صحیح و سالم و اصولی حرکت می‌کند؟ آیا آنها در حوادث متعدد مرتکب اشتباهات و لغزش‌های تسلیم طلبانه و چپ نمایی نگردیده‌اند؟ آیا آنها مسئولیت‌ها و وظایف اولی و ابتدایی خود را در جنبش بسر رسانیده‌اند و پایه‌های مقدماتی و اساسی نهضت محصلی را ریخته‌اند و به تشکل و ایجاد سازمان های صنفی و اجتماعی خود پرداخته‌اند؟ جواب این مسایل یقیناً خیلی‌ها نامطلوب است.

بکمال تأسف باید اذعان داشت که نفاق و پراگنده‌گی در بین محصلان حکمفرمایی دارد. مطالب و خواسته های خود را با منافع یکدیگر ارتباط منطقی داده نمی‌توانند، اختلافات ایدیالوژیکی، سیاسی و محلی خود را، قسماً حتی تا سرحد دور شدن از ابتدایی ترین مبانی و معیار های علم و اخلاق مترقی ناشیانه در جنبش وارد می‌کنند. به تفرقه افگنان، ماجراجویان لاف زن و جنجالی، صف شکن‌ها و منحرفین عصبانی که در تصامیم سیاسی و پیشبرد نهضت ابتدایی ترین اصول جهان‌بینی علمی را رهنمای عمل قرار نمی‌دهند و با منطق مترقی به محاسبه و سنجش شرایط عینی و عوامل ذهنی نمی‌پردازند و صرف به فحش و ناسزا و اتهامات اکتفا می‌کنند، در صفوف خود راه می‌دهند. در طرح شعارهای سیاسی و مطالبات صنفی کمتر توجه کرده، آنرا به ترتیبی طرح نمی‌کنند که حلقهٔ پیوند همگانی اکثریت محصلان گردد.

بعضاً لجوجانه و با تعصب در برابر شعارها و فعالیت های یکدیگر عمل می‌کنند، غالباً در تظاهرات، اعتصابات و میتینگ‌ها دارای شعارهای مشخص متناسب با شرایط، تاکتیک درست، همبستگی و تشکل صحیح نمی‌باشند. در جریان تظاهرات به خصومت‌ها و مخالفت های بی‌مورد می‌پردازند که آب به آسیاب ارتجاع ریخته و سبب پراگنده‌گی و تجرید از توده‌ها می‌شوند.

(ص ۴)

(د لومړی مخ پاتی)

# د افغانستان ملیونونه وګړی ...

حوادثو او پیښو مخې پراته دی نوځکه نړیږی، لوبیږی، له منځه ځی او د دی بدمرغو ژوند لا پسی برباد وی.

زمونږ د خلکو »کورونه «د ډیرو لمړنیو صحی شرایطو نلرونکی دی. د کورونو مساحت زمونږ د هیواد د هر وګړی لپاره تر هغی متوسطی اندازی نه ځوځلی کوچنی دی چه دیو متمدن انسان لپاره ضروری دی.

زمونږ د خلکو د ستر اکثریت کورونه، حتی په ښارونو کښی پخلنځی، مستراح، .... نلری. دهیواد په کلیو کی اکثر کورونه کړکی نلری او دا وضع د لمر د نور او د آزادی هوا د ورننوتو مانع ګرزی او په نتیجه کی د راز راز مکروبونو بیا په تیره د سل د مکروب لپاره زمینه برابروی. زمونږ د خلکو اکثر کورنی په یوه کوته کی ژوند کوی او دا په خپله د ساری مرضونو د پیدا کیدو او د کورنیو په غړو کښی دسرایت سبب ګرزی. پدی جهنمی کورونو ډیر نیالګی غوتی سپری مګر پخوا له دی چه حوانی ته ورسیږی مړاوی کیږی، وچیږی او له منځه ځی. یوازی څو محدودی کورنی دڅو خونو په کورونو کی ژوند کوی.

کـه پـه هیـواد کـی دغټـانو، اشـرافو او دقدرت د خاوندانو په کورونو سترګی پټی کړو، حتی د وطن په پایتخت کابل کی کورونـه دردونکی او زغمیدونکی وضع لری. پدی اساس ویل کیدای شی چه د هیواد په ښارونو او حتی په کابل کی په سلو کی ۸۵ تر ۹۰ کورنی په ډیرو بدو شرائطو کی یو څه په منځنیو شرایطو کی او یوناځیزه اقلیت په ښو اوعالی شرایطو کی ژوند کوی.

باید یادونه وشی چه په ښارونو کی پردی کورونـو سـربیره داسـی سـرایونه او کورونه شته دی چه لسګونه کورنی په هغوی کی ژوند کوی او دټولو لپاره فقط یو مستراح موجود دی چه زیات وقت په هغـوی کـی ماشـومانوته وار نـه ور رسیږی. یوه برخه بی کوره وطنوال په ګاراژونو او حمامونو په ګلخنونو کی شپی تیروی. مسافر مزدوران د دکانونو تر ډرو لاندی یا په جوماتونو کی او په تودو شپو کی حتی په ویرانو، دغرو په لمنواو هوارو پټیو او دسړګونو څندو ته ځملی، دا ده دهیواد په ښارونو کی او له هغی په جملی نه په کابل کی د ټاټوبی حال.

دا په زړوره ویل کیدای شی چه داسی ټاټوبی نه دکار کولو، نه د فکر کولو او نه د ماشومانو د روزلو لپاره وړ دی. کـارګران، مـأموران، بزګـران او زده کونکی چه لـه ستومانونکی کـار څخه وروسته کورتـه راځـی، نـشی کـولای د داسی کورونو په شرایطو کی خپل قوت بیـا ومومـی او خپـل سـتومانه اعـصاب کرار کاندی.

انسان وروسته د هر جسمی او دماغی کار نه مواظبت او آرام محیط تـه اړ دی، مګر کورونه زمونږ په هیواد کی داسی دی چه پخپله د روحی ناروغیو او د کار او درس د قابلیت د کمولو عامل ګرزی. ډیر لیدل شویدی چه د ټاټوبی بده وضعه په کورنیو کی دشخړو، جګړو او جلا کیدو سبب ګرزی ..... پردی سربیره د ټاټوبی بد شرایط زمونږ په ټولو اجتماعی او تولیدی او کلتوری چارو کی بده اغیزه کوی او پخپله دکلتوری او صحی عمومی ودی په لاره کی خنډونه را پیدا کوی.

کـه چیری یوه شیبه دهیواد دښارونو او کلیو دخلکو له ژوند نه، غرونو، بیابانونو او دروتـه ور ګرزو او هلتـه د کوچیانـو شرایط ژور وځیږو نو هله به پوه شو چه ټاټوبی څـه تـه وایی او صحت څـه دی؟ ناپایه مزلونه، نا معلوم سرنوشت له میږو او غویوسره خـوب، او لـه اوشانوسره مـزل پـه مـوران، پـه مـزل بـاروړل، دبارانونو اوسیلابونو ګالل، دایمی رنځ، دوامداره بی علمی نـه ختمیدونکی فقر، تربګـنی، دشـمنی او ډزی..... د دری ملتونـو، کوچیانو لپاره آزادی او حقوق دهیڅ مفهوم لـری. د دوی سـتومانی او کارنتیجـه نلـری. د ټـاټوبی نـشتوالی د کوچیانو ژوند نه زمونږ د پیړی تر ټولو ترخه او غمجنه ډرامه جوړه کړیده.

د افغانـستان مـرتجعین وایـی»کوچیـان جایی کیدل نـه خوشوی «دا هغه خبری دی چه دملت ټاټوبی له هغوی نه اخلی او بیا ناری وهی چه ملت ټاټوبی نه غواړی او نه یی خوشوی، سلیقه نلری، دکور په تنظیم بلد ندی. دهیواد اشرافو او اعیانو د دی خبرو ماهیت هر چاته معلوم او هر څوک پوهیږی چـه دوی دخـه لپـاره دا خبری کوی.

دا ده دافغانستان دخلکو د ژوند دردناکه ځیره چه ژورو، جدی، خلکی تدابیرو او مبارزوته اړه ده دافغانستان حکومتونو د خپلو طبقاتی خصوصیاتو پر بنا تل دا ښودلی ده چه نشی کولی د خلکو د ژوند دشـیګنی پـه لاره کـی اوچـت ګامونـه واخلی.

**(ریدی)**

(از: ص (اول)

# جواب ممتاز ترانسپورت

انحـصارات دولـتی بـر وفـق آن بـرای فروش آن بـه جد و جهد آغـاز کـرد امـا موفق به فروش لاری ها نشد و بلاخره با ۱۹ موسسهٔ ترانسپورتی مرکز کابل و با ٦ موسسهٔ ترانسپورتی دیگر واقع ولایات غربـی مملکت کـه براسـاس قراردادهای منعقده بـا انحصارات در امور حملونقل اموال همکاری داشتند بـه تمـاس آمـد و دربارهٔ فروش لاری ها مذاکرات مکرر بعمل آورد و انحصارات با توصیه های مرتب بـه مؤسسات ترانسپورتی وانمود میساخت که بمنظور حفظ سرمایهٔ ملی بـه خریـداری لاری هـا انحـصارات را مساعدت نمایید تا تشویشی که از ناحیهٔ مراقبت ومحافظت لاری ها موجود بود مرتفع سازند.

فلهذا ۱۹ موسسهٔ ترانسپورتی مرکزتحت یـک سلسله شـرایطی بـرای خریـداری لاری های مذکور پیشنهاد کردند کـه آنهم از طرف انحصارات بـه نفع دولت تغییر داده شد بلاخره چنین تجویز اتخاذ گردید تا ازروی حفظ روابط حسناً معامله داری باساس نرخ معینهٔ هیأت با اعتماد دولت که ماموریت خودها را بنام نیک گذشتانده و درمیـدان عمـل امتحـان صـداقت داده بودند (و ازآنجمله فعلاًیک مرد محترم وبا تقوی بـه صفت عضو شوری شامل میباشد) تانکرها را ۲۰ فیصد بیشتر و بمفاد دولت و متباقی موترهای چکله بـه عین نرخ معینهٔ هیأت موصوفه خریداری نمایند.

این تجویز فروش از طرف انحصارات به مجلس عالی وزرا مشروحاً عرض شد و در نتیجـه مجلـس عـالی وزرا طـی تـصویب نمـبر (۱۳٦۰) ۱ر۱۷ر ۹( ۱۳۴۲) ـ بشرح ذیل تصمیم گرفت: » این پیشنهاد بـه مجلس وزرا قرائت شد، مجلس وزرا به نظریهٔ ریاست انحصارات نـسبت فـروش موترهـای مـستعمل آن موسسه بر طبق شرایطی که مورد موافقهٔ مؤسسات ترانسپورتی واقع شده، موافقت دارد بازهم موضوع مذکور اعلان و بعد از طـی مراحل بـه مـورد اجـرا گـذارده شود .«باساس تصویب فوق مجلس عالی وزرا وموافقـهٔ قبلـی ۱۹ موسـسه ترانسپورتی مرکز، موتر های آتی الذکر انحـصارات بـه مؤسـسات فـوق الذکـر فروخته شد:

۱ ـ موتر های ده تن ـ ۴ عراده

۲ ـ موترهای هشت تن ـ ۳۱ عراده

۳ ـ موترهای شش تن ـ ۱۳۵ عراده

۴ ـ زیل روسی ـ ۲۷ عراده

۵ ـ زیس روسی ـ ۷ عراده

٦ ـ زیل جدید ۴ ونیم تن روسی ـ ۳۰ عراده

جمله ـ ۲۳۴ عراده

لست (۱۹) موسسهٔ ترانسپورتی مرکز و ولایات شرقی و شمالی مملکت با تعداد موتر هاییکه از انحصارات خریده اند قرار ذیل است:

۱ ــ سـید امیـن الله رییـس هاشـمی ترانسپورت ـ ۱۴ عراده، ۲۹۹۹۹۴۴،۵۰ ـ افغانی

۲ ـ مراد علی رییس حسینیه ترانسپورت ـ ۱۱ عراده ۲۰۲۷۱۷۲،۲۵ـ افغانی

۳ ــ مـیر احمـد شـاه رییـس میـدان ترانـــسپورت ـــ ۱۲ عـــراده ۲۰۷۳۸۷۵۰،۲۵ ـ افغانی

۴ ــ محمـد حـسین رییـس معـصومی ترانسپورت ۱۴ عراده ۷۵، ۲۲۷۴۰۱٦ـ افغانی

۵ ـ حاجی اقبال رییس اقبال ترانسپورت ـ ۱۱ عراده ۱۵۹۳۳۴۴،۵۰ـ افغانی

٦ ــ حـاجی قربـان رییـس بامیـان ترانـــسپورت ـــ ۱۱ عـــراده ۲۰۵۵۱۷۲،۲۵ ـ افغانی

۷ ـ گل نبی رییس احمد زایی ترانسپورت ـ ۱٦ عراده ۲۳۹۸۷۴۴،۵۰ ـ افغانی

۸ ــ علـم گـل رییـس یونـسی وردک ترانـــسپورت ـــ ۱۰ عـــراده ۱۳۴۸۱۷۲،۲۵ افغانی

۹ ـ آقا محمد رییس شیرزی ترانسپورت ـ ۱۲ عراده ۱۷۳۷۳۴۴،۵۰ افغانی

۱۰ ــ حـــاجب عبدالحـسین رییـس رضـــایی ترانسپورت ـ ۱۸ عراده ۳۳۴۹۰۱ـ۷۵ افغانی

۱۱ ـ حاجی محمد بیګ رییس لور غر ترانسپورت ـ ۱۱عراده ۱۵۱٦۳۴۴،۵۰ افغانی

۱۲ ــ حاجی خـان علـی رییـس خـدایار ترانسپورت ـ ۱۰ عراده ۱۳۵۷۱۷۲،۲۵ افغانی

۱۳ ــ فـضل منـان رییـس بختـور لطفی ترانسپورت ـ ۱۰ عراده ۱٦۳۱۱۷۲،۲۵ افغانی

۱۴ ـــ محمـد انـور رییـس قطغـن ترانسپورت ـ ۱۴ عراده ۲۴۵۸۳۴۴،۵۰ افغانی

۱۵ ـــ محمـد عمـر رییـس ممتـاز ترانسپورت ـ ۱٦ عراده ۲۵،۳۱۰۵۳۴۴ افغانی

۱٦ ــ فـضل الـرحمن رییـس خوګیانـی ترانسپورت ـ ۱۰ عراده ۲۵،۱۴۴۴۱۷۱ افغانی

۱۷ ــ غـلام حـسن رییـس جـلال کـوت ترانسپورت ـ ۱۰ عراده ۱۳۷۷۵۷۲،۲۵ افغانی

۱۸ ـــ عبـدالفتاح معـاون پنجـشیر ترانسپورت ـ ۱۳ عراده ۱۸۹٦۱۷۲،۲۵ افغانی

۱۹ ـــ محمـد یعقـوب رییـس کابـل ترانسپورت ۱۱ عراده ۱۴۲۱۱۷۲،۲۵ افغانی

جمله ـ ۲۳۴ عراده.

بازهم باساس مصوبهٔ مجلس عالی وزرا کیفیت به غرض مزایده بـه جراید مرکز وولایات ورادیو افغانستان اعلان شد کـه اگر شخصی و یا موسسهٔ دیگری بشرایط نسبتاً مساعدتر آنها را خریداری نمایند، حاضـر شـود. هیـچ موسسه وشـخص حاضر نشد. متعاقباً ۴۳ عراده موتر باقی مانـده بـرای شـش موسسهٔ ترانسپورتی ولایات غربـی مملکت فروختـه شد بـه تفصیل ذیل:

۱ ــ رییـس قنـدهار ترانـسپورت ــ ۱۹ عراده ۲۳۸۰۰۰۰ افغانی

۲ ــ رییـس انـصاری ترانـسپورت ــ ۷ عراده ۵۰۹۰۰۰ افغانی

۳ ـ رییـس جـامی ترانسپورت ـ ۴ عراده ۵۰۹۰۰۰ افغانی

۴ ــ رییـس فـراه تراسپورت ــ ۳ عراده ۳۷۸۰۰۰ افغانی

۵ ـ رییـس حکیم سنایی ترانسپورت ــ ٦ عراده ٦۳۰۰۰۰ افغانی

٦ ـ رییـس هلمند ترانسپورت ـ ۴ عراده ۳۷۸۰۰۰ افغانی

جمله ۴۳ ـ عراده.

مجموع مؤسسات ترانسپورتی خریدار ( ۲۵) موسسه و تعداد عمومی موتر های فـروش شـده ۲۷۷ عـراده. ممتـاز ترانـسپورت از جملـهٔ ۲۵ موسـسهٔ ترانسپورتی فوق محض یک موسسه، از جملهٔ موتر هـای مـستعمل فـروش شدهٔ انحصارات تنها ۱٦ عراده را خرید و بعد از اصلاح و ترمیم و نصب تانـک های جدید به کار و فعالیت سوق داده شد. «

***

**پرچم:**

**تجربهٔ پر اهمیتی کـه از غوغای ممتاز ترانسپورت در برابر راپور انجمن مالی ولـسی جرګـه و نـشر جریدهٔ پـرچم در زمینه بوجود آمده، عبارت از اینست کـه یکبار دیگر بصورت مشهود ثابت شد که چطور صاحبان سرمایه و شرکت هـای بزرگ در محافل و دستګاه حاکمهٔ کشور نفوذ و قـدرت عظیمـی را دارا هـستند و بـاهم منـافع مـشترک دارنـد، و چگونـه قدرت های سیاسی را به نفع خویش می چرخانند.**

**پرچم از تمام عناصرآګاه وعلاقه مند به حفظ دارایی ملی و اعتلای اقتـصادی کشـور خـواهـش مـی‌کـنـد هـرګـونـه معلوماتیکه در مورد ممتاز ترانسپورت دارند به ما ارسال نمایند تـا بـه سوالات بـی شـماری کـه مردم راجع بـه ممـتـاز تراسپـورت از مـا مـی‌کـنـنـد، روشـنـی انداخته شود.**

از اسکاف

## روزی رسد که ...

**طوفان خشم خلق گر این سان فزون شود**
**روزی رسد که کاخ ستم واژگون شود.**
**گر توده‌های رنجبران متحد شوند،**
**بی شبهه دشمنان همه جا سرنگون شود.**
**ای خلق های پاک جهان، ای ستم کشان!**
**باهم یکی شوید که دشمن زبون شود.**
**از هر شگاف در دل خصمت نفوذ کن،**
**تا دشمن تو منفجر از اندرون شود.**
**ای آفتاب صبح سعادت درخششی!**
**تا پاره پرده های شب پر فسون شود.**
**ای قهرمان رزمگه روز امتحان!**
**ازخون تو درفش وطن لاله گون شود.**
**«اسکاف» درمبارزه مرگ وزندگی:**
**سلی یأس قسمت مرد جنون شود.**

از (ص اول)

# اعتصاب و تظاهرات ...

ـ کارګرانی که باسواد اند در قرارداد باید امضائ شان گرفته شود.

ــ فارغـان کـورس برمـه کـاری بـرای تحصیلات تخصـصی بـه تخنیکم گرفتـه شوند.

ــ بـرای مـأمورین فـنی معـاش منطقـوی منظور گردد.

ـ کارګرانی که از پست منفک شده اند شامل کار شوند.

ـ سرګروپ هاییکه بـا کـارګران پیشآمد خراب دارند برطرف شوند.

ـ معاش روزهای اعتصاب کارګران اجرا گردد.

از (ص ۲)

# در بارهٔ مسألهٔ دهقانی

طبعاً برای نیل به این هدف توده‌های عظیم زحمتکش دهقانـان باتفـاق مالکین کوچک و متوسط (با حفظ هوشیاری در برابر این بخش) بـه اتحـاد کـارګران در جنبش جلب گردند. طـوری کـه تجربـه نشان داده است بخش های مختلف دهقانان زحمتکش (دهقانـان بی‌بضاعت، دهقانـان فقیر و کـارګران مزدور و پیشه‌وران ده) بالترتیـب بنـا بـر وضـع اقتـصادی و اجتمـاعی خـویش می‌تواننـد تبلیغـات رهـایی‌بخش را بـه پذیرنـد و بـه جنبش سـوق داده شـوند. زیـرا آنهـا در جنبـش رهـایی‌بخش دموکراتیـک و ملـی کـاملاً ذینفع‌اند.

بـرای تحقـق بخـشیدن بـه ایـن امـر (درحالی‌کـه در وضـع کنونـی کـار در شـهرها بمثابـه پایگاه اساسی جنبش اوج می‌گیرد) باید بتـدریج کـار در دهـات را نیـز فراګرفـت و سـعی فـراوان مبـذول داشت تا دهقانـان را بیدار کـرد و آنهـا را به مبارزهٔ ضد فیوداليزم و ضد امپریالیسم جلب نمود...

البتـه تمـام ایـن امـور بـدون شـتاب زدهګی، در جریان کار و مبارزهٔ طولانی امکان‌پذیر است. همچنین برای آنکه کار در دهات مقرون بـه پیروزی گردد باید جداً به انحراف راست و چپ متوجه بود از مـاجراجویی احـتراز کـرد. بایـد شیوه‌های را انتخاب نمود که از یکسو از دهقانـان تجرید نګردید و از سوی دیګر کار و فعالیت جوانـان پیشرو وطن برای دهقانان قابل‌فهم باشد. زیرا کـار در شـهر و ده بـاهم تفـاوت دارد. بایـد بـا دهقانـان آمیزش کرد و از آنها یاد گرفت و بـه آنهـا آموختاند و زندګی سخت در ده را متحمل شد.

جوانـان وطن‌پرسـت و ترقی‌خـواه کشور باید بـه زندګی در دهـات کـشور عادت گیرند، با دهقانان کار کنند و با آنها یکجا زندګی نمایند، یکجا غذا بخورند، عنعنـات و رسوم آنهـا را احترام کنند و بااحتیـاط ضـرر خرافـات را بـه آنهـا بفهمانند، ضروری ترین احتیاج دهقانـان را بدقت درک کنند و با ایشان درین راه دوست و یاور باشند. با شناخت بخش‌های مختلف دهقانان با هر یـک آنـان برخورد دقیق و اصولی نمایند.

بـه منظـور بیـداری دهقانـان بایـد بـه زبـان آنهـا صـحبت کـرد و شـعارهای مشخص و قابل‌فهمی را باید ارائه نمود و در ایجاد کورس های سواد خوانی سعی فراوان مبذول داشت...

در خاتمـه خاطرنـشان می‌ګردد کـه: تنها از طریق به پیروزی رساندن جنبش رهـایی‌بخش ملـی و دموکراتیـک ضـد فیوداليزم و ضد امپریالیسم بـه سر منزل نهـایی آن »بـه هدف غـایی «است کـه: می‌توان ستم و استثمار دهقانان و بیکاری را کـاملاً از جامعـه از بیـن بـرد، تمـام دهقانـان را از لحـاظ زمیـن تـأمین کـرد، حیـات اقتـصادی و اجتمـاعی آنهـا را بهبودی بخشید، نیروی کـار آنهـا را بـر مبنای اتحاد داوطلبانـه در کوپراتیف های زراعتی متمرکز ساخت و تکنیک جدید زراعتی و دانش پیشرو زراعتی را در اختیار آنها ګذاشت. کـار آنهـا را پرثمـر و حاصل زمین را بیشتر نمود و در نتیجـه مسألهٔ خوار و بار و مسألهٔ دهقـانی را کـه مستقیماً بمنافع اکثریت عظیم مردم کشور ما مربوط است بصورت بنیادی حل کرد و بقایـای نظـام هـای قرون‌وسـطایی و فیودالی را از جامعه ریشه کن ساخت.


**پـــرچـــم**

**هره دوشنبه خپریږی**

د تاسـیس کـال: د ۱۳۴۶ (کـب) د امتیاز خاوند او مسړول مدیر:

سلیمان لایق

آدرس: غوثی مارکیټ
محمد جان خان واټ
کابل، افغانستان

**اشتراک**

په مرکز کی د کال ۱۰۰ ــ افغانی

پـه ولایـاتو او پښتونـستان کـی د کـال ۱۱۰ افغانی

له هیواد نه د باندی د کال ۱۰ دالره یوه ګڼه ۲ ــ افغانی

تایپ ویرایش جدید: مسعود حداد

**دولتی مطبعه**


«تیمور» قند زدن

# ایشچی ګه

**ایشچی ګه »تیمور« قند زدن**
**کورش (۱) یولچی سی ایشچی!**
**ظفر ایلچی ایشچی!**
**باش کوتر... کوزینګنی آچ!**
**تیبرن..ایلګری یوګور .. بختینګه باق!**
**سیندیر ایندی قیغو (۲) کیشلرنی..**
**آزاد بوګوت (۳) کبی قنات قاقیب اوچ...**
**قویاش وادی سی تامان.**
**اولوغ بیر هدف اوچون:**
**اوزینګ نینګ ایرکین لیګینګ ..**
**برچه خلق ایرکینګ لیګی (۴)**
**بودور سینینګ اولوغ مقصدینګ.**
**********
**ایشچی سین بیله سن می؟**
**سین حیات دینګیزی (۵)نینګ تولتونی (۶) سن!**
**سین تیریکلیک بحرینینګ چابقونی (۷) سن!**
**آزادلیک کیمه سینی.**
**سین یتوشتورګیسن نجات یورتیګه.**
**بخیارایک ګوزل یاقون یولدیزی،**
**قرا تومن آرقه سیدن...**
**نور ساچیرسن تامانګه.**
**ایندی سوګه ایتمه باریب توشینګی!**
**ایندی سرایتمګل خیال باغیده!**
**ایرکینګ لیګینګ اوچون فقط بیر یول بار...**
**فقط الوغ بیر یول: کورش نینګ یولی..**
**صنفی کورش یولی.. غلبه ساری!**

**۱ ـ مبارزه ۲ـ غم قتیغ تاثر ۳ـ عقاب ۴ـ ایرکین لیک: ازادلیک، ایرکین: ازاد ۵ ـ دینګیز: بحر، اوقیانوس**
**۶ ـ تولقون: موج ۷ ـ چابقون: بوران، طوفان**

ترفیق-کنګرس پرچم اهمیت آنهایی که پرچم بارده را ایستاده نګاشتند

پرچم
د افغانستان د خلک دموکراتیک ګوند ارګان
دوشنبه ۲۰ حمل ۱۳۹۳ - ۹ اپریل ۲۰۱۴

# در جهان سیاست

## تبصرهٔ مجلهٔ نیو تایمز ماسکو راجع به مناسبات دوستانه افغانستان و اتحاد شوروی

مجلهٔ هفته‌وار نیوتایمز شوروی در شمارهٔ ۲۴ خویش راجع به علایق دوستانه بین افغانستان و شوروی می‌نویسد: «انکشاف مناسبات دوستانه با کشورهای شرق میانه واقع در سرحدات جنوبی ما یکی از خطوط مهم سیاست خارجی اتحاد شوروی بوده و می‌باشد. دیپلوماسی شوروی همیشه کوشیده است تا آنرا به منطقهٔ صلح و همکاری بین‌المللی تبدیل نماید که نتایج آن همین اکنون به مشاهده می‌رسد. همسایه‌های جنوبی ما بشمول آنهایی که متعلق به آن دسته‌بندی‌های نظامی ای می‌باشند که از طرف غربی‌ها اداره می‌گردند هرچه بیشتر راه همکاری با اتحاد شوروی را در پیش می‌گیرند و میراث جنگ سرد را از بین می‌بر دارند که این بنوبهٔ خود برخلاف بسیاری از دیگر حصص جهان در بوجود آوردن فضای مساعد سیاسی درین منطقه کمک می‌کند. این پروسه (جریان) ایست که افغانستان در آن سهم خاص داشته است. برای اینکه روابط حسن همجواری بین کابل و ماسکو از مدت زیاد یک عامل ثابت در صحنهٔ متغیر شرق میانه بوده است. در عین زمان این مناسبات در حال انکشاف و پیشرفت می‌باشد که مسافرت های رسمی روسای دول و زمامداران هردو کشور نشان‌دهندهٔ آن می‌باشد.

اتحاد شوروی در دو پلان پنجسالهٔ افغانستان کمک نمود. موافقتنامهٔ درین اواخر راجع به همکاری پلان پنج سالهٔ سوم به امضا رسید...

همکاری ما بر تهداب همزیستی مسالمت‌آمیز استوار است. اختلاف سیستم اجتماعی و سیاسی مانع همکاری نیست، مداخله در امور داخلی یکدیگر وجود ندارد، مناسبات بر اساس اعتماد و احترام متقابل برقرار می‌باشد.

گرچه اتحاد شوروی بزرگترین پارتنر اقتصادی افغانستان است ولی این به‌هیچوجه مانع آن نیست که افغانستان تماس های مفیدی با دیگر کشورها برقرار نماید. روزنامهٔ چون نیویارک تایمز نیز در شمارهٔ ۴ جون اعتراف می‌نماید. اعتراف روزنامهٔ امریکایی در روشنی روش اضلاع متحده در برابر کشورهای عقب‌ماندهٔ همجوار آن اهمیت زیاد دارد.

استثمار اقتصادی و فشار سیاسی امریکا بر همسایه‌های جنوبی آن در حقیقت با مناسبات اتحاد شوروی با افغانستان که در راه پیشرفت آن واقعاً کمک می‌نماید، مغایرت دارد، اتحاد شوروی تقویهٔ روابط دوستانه را کمک مهمی در راه دوام صلح می‌پندارد...»

***

**در اروپا**

**در فرانسه:** در شروع مرحلهٔ اول انتخابات موج ترور سرتاسر فرانسه فراگرفت. چهار نفر در پاریس، هفت نفر در بوردو و نه نفر دیگر در نقاط مختلف آنکشور ذریعهٔ موسسهٔ تروریستی (او، آی، اس) بقتل رسیده است. در سه نقطهٔ پاریس بمها منفجر شد، عناصر مترقی فرانسه میگویند: «وقتی‌که طبقهٔ کارگر برای بهتر شدن زندگی خود مبارزه می‌کنند فوراً آن آزادی و دموکراسی بورژوایی که از آن دم می‌زنند، تعطیل می‌شود.» روزنامهٔ اومانیته می‌نویسد: «اکنون فرانسه در سر دوراهی است، دکتاتوری نظامی فرانسه را تهدید می‌کند، مردم فرانسه باید باین دکتاتوری خاتمه دهند.»

نتایج مرحلهٔ اول انتخابات فرانسه معلوم شد دوگولیست‌ها و جمهوری خواهان مستقل رویهمرفته سه میلیون و ششصد هزار رأی بدست آوردند که ۴۲ عشاریه ۶۵ فیصد آراء می‌شود. نظر به انتخابات گذشته تعداد آراءایشان یک میلیون و دو صد هزار بیشتر است. دوگولیست‌ها توانستند ۴۲ نفر نماینده در مرحلهٔ اول انتخابات به مجلس بفرستند.

حزب کمونیست فرانسه بیش از بیست فیصد آراء را بدست آورد و٦ نماینده به مجلس فرستاد. در انتخابات گذشته این حزب ۲۲ فیصد آراء را بدست آورده بود.

فدراسیون متران ۳۵۰ هزار رأی که ١٦ فیصد مجموع آرا می‌باشد بدست آورد و موفق به فرستادن نماینده به مجلس نشد و نظر به گذشته ۵۵۰ هزار رأی را از دست داد.

حزب سوسیالیست متحد ۸۰۰ هزار رأی را بدست آورد. درین حزب افراطی های چپ جمع شده‌اند. دیگر نیروها نتوانستند آراء مردم را بدست بیاورند. باید یادآور شد که صحنه‌سازی های انتخابات بر ضد حزب کمونیست فرانسه بعمل‌آمده ولی بازهم حزب کمونیست بزرگترین حزب چپ بشمار می‌رود.

روزنامهٔ لوموند علت پیروزی دوگولیست‌ها را چنین می‌نویسد: «بورژوازی فرانسه، فاشیست‌ها، آنارشیست‌ها، گروهای تروریست (او آی اس) و غیره به دوگولیست‌ها رأی دادند.» دوگولیست‌ها با قدرت تبلیغاتی خود مرتجع ترین عناصر را به طرف خود جلب کردند.

والدک روشه زعیم حزب کمونیست فرانسه در یکی از سخنرانی های خود گفت: «گروهای افراطی چپ با اخلالگری‌های خود موقع را به طرفداران دوگول دادند یک میلیون از مردم فرانسه نسبت این اخلالگری‌ها رأی خود را به طرفداران دوگول دادند .»او گفت: «بدون شک حزب سوسیالیست متحده باعث شکست نیروهای چپ در انتخابات شد، شایسته است که ارتجاع فرانسه از رهبران احزاب سوسیالیست متحده اظهار تشکر کند.» روزنامهٔ اومانیته می‌نویسد: «برای ثبت تاریخ باید نوشت که چه کسانی باعث جدال با پولیس شدند، چه کسانی شعارهای قهرآمیز دادند و هر ماشینی که آتش زده شد هزاران رأی نیروهای چپ را کم ساخت.» روزنامه از نقش فرانسوا میتران یادآوری می‌کند و وجود او را باعث شکست می‌داند، روزنامه علاوه می‌کند: «در زمانی که حزب کمونیست برای پیروزی فرانسوا میتران مبارزه می‌کرد او با جنرال دوگول داخل مفاهمهٔ سیاسی شد و سپس با دوگولیست‌ها سازش کرد و بعداً از پیمان ناتو طرفداری نمود و چون ناتوان گردید رو بجانب کمونیست‌ها آورد و طالب کمک شد .«در مرحلهٔ اول انتخابات هیچ یک از طرفداران او مانند »گی مولی «و مندس فرانس انتخاب نشدند، اگر در مرحلهٔ دوم حزب کمونیست از او پشتیبانی نکند هرگز به پارلمان راه نخواهد یافت. در ۱۰۳ حوزهٔ انتخاباتی کاندیدهای فدراسیون چپ دموکراتیک به نفع کاندید های حزب کمونیست خود را کنار کشیدند و در مقابل حزب کمونیست کاندیدهای دوگولیست‌ها وجود دارند و در ۱۱۰ حوزهٔ انتخاباتی کاندیدهای حزب کمونیست خود را کنار کشیدند تا تنها کاندیدهای چپ سوسیالیست مقابل طرفداران دوگول مقابله کنند. طرفداران دوگول هم همین کار را کرده‌اند.

والدک روشه زعیم حزب کمونیست فرانسه طی بیانیهٔ که از رادیوی فرانسه پخش گردید گفت: »باید زحمتکشان فرانسه در مرحلهٔ دوم انتخابات به کاندیدهای چپ رأی بدهند. وی تاکید کرد که خطر دکتاتوری و دستبرد به حقوق زحمتکشان فرانسه را تهدید می‌کند .« روشه علاوه نمود که فرکسیون حزب کمونیست در پارلمان جدید همچنان با شجاعت از حقوق کارگران و زحمتکشان پشتیبانی خواهد کرد.

**مسکو:** روزنامهٔ پراودا در شمارهٔ ۲۳ جون خود در مورد تدابیری که جمهوریت دموکراتیک آلمان شرقی در مورد رفت‌وآمد بین آلمان غربی و برلین غربی گرفته می‌نویسد: »این تدابیر بر پایهٔ پرنسیپ های حقوق بین‌الدول استوار است .«روزنامه می‌افزاید: »درحالی‌که آلمان غربی مشغول تصویب قوانین فوق‌العاده می‌باشد و نیونازیزم را مجدداً احیا می‌کند، اقدام جمهوری دموکراتیک آلمان کاملاً بجاست.

**مسکو:** وزیر خارجهٔ اتحاد شوروی گفت: شوروی حاضر است خلع سلاح را انجام دهد. وی از سیاست ماجراجویانهٔ امریکا در ویتنام انتقاد نموده، گفت: ما به خلق قهرمان ویتنام کمک خواهیم کرد. وی ضمن پشتیبانی از موقف آلمان شرقی اظهار داشت که: شوروی از امنیت اروپا به شدت دفاع خواهد کرد.

**در امریکا:**

**واشنگتن:** برخورد شدید بین پولیس و »شرکت‌کنندگان راه‌پیمایی فقر «روی داد که در اثر آن تعداد زیاد مرد وزن و کودک زخمی شدند و یک جوان سیاه‌پوست به قتل رسید. پولیس امریکا با یک حملهٔ شدید به خیمه‌های مارش کنندگان داخل شده و با انفجار صدها بم اشک‌آور تلفات زیادی وارد نمودند.

**در آسیا:**

**هانوی:** روزنامهٔ نان دان (ویتنام شمالی) می‌نویسد که امریکا عملاً مقررات سال ۱۹۵۴ ژنیو را زیر پا کرده است، از آن رو اعلام می‌کنیم که تا آخرین رمق برای پیروزی و اخراج امریکاییان از وطن خود مبارزه خواهیم کرد.

رادیو هانوی اعلان کرد که سه پروند طیارهٔ امریکایی در فضای ویتنام شمالی بتاریخ ۷ سرطان سقوط داده شد و باین صورت مجموع طیارات امریکایی که بر فضای ویتنام شمالی سقوط داده‌شده‌اند به ۳۰۰۳ عدد طیاره بالغ گردید.

**سیگون:** فعلاً در ویتنام جنوبی ۵۳۳ هزار عسکر امریکایی و٦٣ هزار عسکر متحدین آن با وطن‌پرستان داخل جنگ می‌باشند و تا آخر سال تعداد عساکر امریکایی به ۸۰۰ هزار نفر بالغ خواهد شد.

## اعتصاب چهل و یکروزهٔ شاگردان شونځی میخانیکی کابل مؤفقانه بانجام رسید

طلاب مکتب میخانیکی کابل در اواسط ماه ثور مطالبات و خواسته‌های را به ادارهٔ شونځی خود و بالوسیله به وزارت معارف سپردند تقاضا کردند که به خواست های شان جواب قناعت بخش داده شود، متأسفانه نسبت برخورد ناسالم و غلط ادارهٔ شونځی، شاگردان مجبور شدند چهل و یک روز در اعتصاب بسر برند. اعتصاب مخصوصاً هنگامی طولانی شد که مدیر شونځی در برابر استیضاح شاگردان، با عدهٔ از اعضای تدریسی، گروپی از شاگردان را مورد حمله قرارداد و بالاثر چند تن از شاگردان مجروح شدند. مقامات صلاحیت‌دار معارف بجای اینکه جوانان را در برآورده شدن آرمان‌های مشروع و قانونی و سادهٔ ایشان کمک نمایند، به شیوهٔ استبدادی بحمایت مأموران اداری و معلمان متجاوز پرداختند، یعنی به شاگردان موقع ندادند که باصطلاح چشم‌سفید شوند. ازین رو اعتصاب راه طولانی و دشواری را در برابر شاگردان این شونځی که اکثریت شان به طبقات زحمتکش و محروم جامعه ارتباط دارند، قرارداد.

گفته می‌شود در اثر مفاهمه‌های اخیر و قبول شدن قسمتی از خواست‌های شاگردان، اعتصاب ۴۱ روزهٔ طلاب شونځی میخانیکی کابل به پایان رسید. در صورت واقعیت امر، ما این پیروزی را که راه دشواری را پیموده است، به شاگردان میخانیکی کابل تبریک میگوییم.

عمده‌ترین خواست‌های صنفی شاگردان میخانیکی قرار آتی بود:

۱ ـ چانس شمول پوهنتون می‌خواهیم.

۲ ـ شهادت‌نامهٔ ما که معادل بکلوریا قبول شده است به شهادت‌نامهٔ مسلکی عوض شود.

۳ ـ در شمول به صنف دهم شونځی، شرط کانکور را برطرف سازید.

۴ ـ صنف هفتم شونځی میخانیکی دو سال مکمل دوام می‌کند، باید دریک سال به سر برسد.

۵ ـ حاضری درسی ما طبق سایر شونځی‌ها از ساعت ۸ قبل از ظهر شروع و ساعت یک بعدازظهر تمام شود.

## اعتصاب محصلان دارلمعلمین عالی ادامه دارد

اعتصاب محصلان دارالمعلمین عالی تا هنوز ادامه دارد. تا کنون کدام جواب مثبت یا منفی از طرف مقامات مربوط به آن داده نشده است.

محصلان دارلمعلمین عالی ضمن دفاع از معارف متوازن از وزارت معارف تقاضا نمودند، نظر به اینکه اکثر محصلان دارالمعلمین عالی از ولایات کشور می‌آیند و چانس تحصیلات عالی کمتر دارند، باید دارالمعلمین عالی به پوهنځی معلمان ارتقا یابد و پروگرام آن مطابق به روحیهٔ عصر و ایجابات و نیاز مندی های مردم کشور اصلاح گردد.

از (ص ۲)

## نهضت محصلان افغانستان...

در برخورد های شخصی و صنفی خورده گیر و یا بی‌اعتنا و بی‌ملاحظه بوده با یکدیگر به غرور و خودفروشی پرداخته، به گفتگو و جروبحث های طولانی وبی نتیجه که منجر به کوبیدن یکدیگر و برافروختگی و عصبانیت می‌شود، می‌پردازند. عدم پابندی، تنبلی وبی علاقگی عدهٔ از آنها در فراگرفتن دروس بهانه‌های تعرض، تبلیغ و انتقاد را به سازمان های ارتجاعی می‌دهد. با حفظ این مسئله که سیستم درسی استعماری و ارتجاعی کهنه و فاسد افغانستان در جای خود قابل‌بحث است.

مبتنی بر حقایق فوق و درس گرفتن از اشتباهات، محصلین و روشنفکران وطن‌پرست افغانستان در برابر این مسئولیت سنگین قرار گرفته‌اند که بعد از سال‌های طولانی تجربه، سال‌های شکست پیروزی های کم دوام، سربلند کنند و به حقایق جامعه و افق تکامل جهانی و وطن خود بنگرند. در زمینه‌های کار روشنفکری و محصلی امکانات و تدارک اتحاد وسیع محصلان را در پرتو مرام و اصولی که منافع صنفی و اجتماعی اکثریت محصلین را منعکس سازد بوجود آورند و با تشکیل اتحادیهٔ محصلان و سازمان های دموکراتیک جوانان که ارگان رهبری آنها در جنبش گردد، دست بزنند. به فضای دوری و جدایی، شتابزدگی، خودستایی، غرور و آرایش روشنفکری فایق آمده در برخوردها تأمل، شکیب، صمیمیت و تفکر منطقی را جایگزین سازند، اخلاق مترقی و وفاداری به مصالح و منافع عالی خلق و نهضت را سرلوحهٔ زندگی خود قرار دهند، با ارائهٔ صحیح حقایق عینی به قناعت یکدیگر بپردازند، به اختلافات فکری و سیاسی در میان نهضت راه ندهند و در عمل اصولیت و صحت ایدیه های خود را ثابت کنند، کارهای صنفی و سیاسی را هر وقت مخلوط ننمایند، روابط رفیقانه و صمیمانه و اتحاد مستحکم را در بین محصلان گوشه‌های مختلف کشور خود ایجاد کنند، با روش صحیح خود بکوشند تا عدهٔ بازهم بیشتر روشنفکران و محصلان را به جنبش و مبارزه دعوت کنند آنها را از حالت پسیف و درک نازل به عناصر آگاه وزنده جامعه در راه خدمت پرشور زحمتکشان و رنجبران تبدیل کنند.

آغاز کار و عمده‌ترین سلاح مبارزه و وظیفهٔ اساسی درین مرحلهٔ جنبش محصلان تشکیل **سازمان اتحادیه محصلان** است. که محصلان را در مبارزهٔ ضد امپریالیزم و ضد ارتجاع و برآوردن خواست های صنفی و اجتماعی یاری و رستگاری می‌بخشد. تمام نیرو و انرژی مبارزه درین مرحلهٔ جنبش محصلی باید بر اساس اصول و اخلاق مترقی بسوی ایجاد سازمان و تشکیل اتحادیهٔ محصلان معطوف گردد. و از این راه است که محصلان می‌توانند به کادرهای آگاه و وطن‌پرست آیندهٔ وطن تبدیل گردیده و نقش اساسی و ثمربخش خود را در جنبش ملی و دموکراتیک افغانستان بجا گذارند.

**روشنفکران و محصلان** می‌توانند روشنی صبح پیکار را در قلوب افسردهٔ وطنداران، در جلو دیدگان شان بر افروزند، قهرمان باشند، سرنوشت خود را با سرنوشت ترقی، علم و صلح، تا سرنوشت فرهنگ شگوفان آینده توده‌ها، با سرنوشت طبقات پیشاهنگ و آفرینندهٔ تاریخ (کارگران و دهقانان) پیوند دهند، مشروط به آن که به آرمان‌های خلق وفادار باشند، به تشکل و مبارزهٔ بی‌امان بپردازند، به افزارکار توده‌ها بدل و به تکامل جریان نوین تاریخ همکار و همراه گردند.

**محمود بریالی**

## دفاع از دهقانان مظلوم در ولایت فاریاب

بتاریخ ۲٦ جوزا شاگردان لیسهٔ ابوعبید فاریابی در میمنه از ساعت ۳۰,۹۹,۳۰ تا ۱۰,۳۰ بعدازظهر دست به مظاهره زدند. شاگردان این مظاهره را بخاطر حمایت ۳ تن از دهقانان شیرین تگاب که از طرف فیودالان محل لت و کوب شده و با آتش‌داغ شده بودند، ایجاد کردند. جمعیت شاگردان هنگام مظاهره همراهی و حمایت سایر طبقات و اقشار مردم و گروه منورین را کمایی کردند. هزاران تن از اهالی فاریاب که درین مظاهره اشتراک داشتند، شعارهای شاگردان را تأیید و تکرار می‌کردند. شاگردان در طول مظاهره بریاست محاکم و ولایت فاریاب رفتند و از مستوفی آنجا در مورد داغ شدن دهقانان بی‌دفاع استیضاح کردند. قرار معلوم مستوفی به شاگردان وعده داده است که در ظرف ۴ روز نتیجهٔ قضیه را به عامه ابلاغ خواهد کرد. تظاهرکنندگان اخطار داده‌اند که در صورت حق تلفی و اهمال حکومت، آنان از مرکز فاریاب تا محل واقعه در شیرین تگاب راهپیمایی خواهند کرد.

اطلاع می‌رساند که شاگردان هنگام تظاهر، جملاتی را از فصل حقوق و آزادی های مردم در قانون اساسی روی لوحه‌ها نوشته با خود حمل می‌کردند. قرار معلوم مظاهرهٔ شاگردان ابوعبید و مردم آنجا در غایت نظم اجرا شد و کاملاً قانونی و وطن‌پرستانه بود. واقعهٔ که سبب مظاهرهٔ شاگردان شده است، چنین راپور داده شده است: پسران ایوب تگابی قلعهٔ را در شیرین تگاب بنا نموده و برای اعمار آن هژده تن از دهقانان محلی آنجا را استخدام نموده بود. دهقانان تهی‌دست بعد از چندی طلب اجرت کردند ولی قلعه داران به بهانه‌های مختلفی از دادن اجرت شانه خالی می‌کردند، هنگامی‌که دهقانان بر حق خود اصرار کردن، پسران متنفذ محلی به حیلهٔ مفقود شدن یک قاب ساعت دستی ۱۸ نفر مزدوران خود را متهم ساختند و آنان را تحت تهدید گرفتند. مزدوران راه فرار گرفتند و تنها سه نفر ایشان (یخشی ولد مینگلی، عبدالغفور ولد عبدالرحمن و محمد قل ولد یولداش) را اسیر و تحت شکنجه قراردادند. این شکنجه که بسیار ظالمانه بوده شامل لت و کوب و داغ کردن توسط سیخ‌ها می‌باشد، یکی از ظالمانه‌ترین نوع قدرت‌نمایی متنفذین محلی و طبقات ستمگر حاکمه است.

گفته می‌شود که عبدالغفور و محمد قل در اثر وساطت مأموران محلی حکومت و گرفتن یک مشت پول ابراء مجانی داده‌اند ولی یخشی پسر مینگلی مقاومت نمود و تسلیم نشد. هنگامی‌که شکایت و عرایض یخشی نتیجه مطلوب نداد و بی‌اثر ماند، پدر وی (مینگلی) جهت جمع‌آوری اعانه به لیسهٔ ابوعبید مراجعه کرد و شاگردان که فردای آن برای وی اعانه جمع‌آوری کرده بودند، دیگر او و فرزندش را نیافتند و بصورت ناگهانی از شهر ناپدید شده بودند. شاگردان تصمیم گرفتند که پول جمع‌آوری شده را توسط نمایندگان خود به شیرین تگاب انتقال داده به فامیل مینگلی بسپارند.

شاگردان در اخیر قطعنامهٔ ذیل را تصویب و اعلان کردند:

۱ ـ در مورد قضیه تحقیق درست و اساسی صورت گیرد.

۲ ــ به حمایت مظلوم و فامیل او پرداخته شود.

۳ ــ جهت وارسی به قضیه یک هیأت منظم و قانون دان و صادق تعیین گردد.

۴ ــ زجر و شکنجهٔ مظلوم ممنوع قرار داده شود.

۵ ــ به جنایتکاران جزای سنگین داده شود.

٦ ــ از خودسری‌ها و اعمال غیرقانونی مأمورین و حکام جلوگیری شود.

۷ ـ حقوق مظلومان برای‌شان مسترد گردد.

۸ ــ روش های ضد قانونی و ضد انسانی که در برابر سوختگان صورت گرفته محکوم گردد.

۹ ـ فیصلهٔ شرعی و قانونی در مورد صورت بگیرد و نتیجهٔ آن به اطلاع عامه رسانیده شود.

**پرچم:** یکبار دیگر تجاوز ملاکان فیودال را بر خلق کارگر افغانستان جداً محکوم نموده و حمایت کامل خود را از دهقانان ستمکش کشور اعلام می‌دارد و خواستار است تا هرچه زودتر این ستمگران به جزای سنگین برسند.